

## ارتباط بین خودپنداره کلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

رمضان حسن‌زاده<sup>۱</sup> - سید حمزه حسینی<sup>۲</sup>  
ذبیده مرادی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنهاست. مجموعه نگرش‌های شخص نسبت به خودش را خودپنداره می‌نامند. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش‌آموزان متوسطه شهرستان بندر ترکمن هستند که کل آنها ۳۵۰۶ نفر است. آزمودنیهای این پژوهش ۳۲۵ دانش‌آموز دوره متوسطه است که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری خودپنداره کلی از پرسشنامه خودپنداره تنسی استفاده شد. ملاک عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مبتنی بر آزمونهای معلم ساخته بود و از معدل دانش‌آموزان استفاده شد. شش فرضیه مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین خودپنداره کلی و عملکرد دانش‌آموزان رابطه وجود دارد ( $P < 0/05$  و  $r = 0/19$ ). بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد ( $P < 0/05$  و  $t = 2/965$ ).

۱- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری  
۲- استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران  
۳- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود ندارد ( $P > 0/05$  و  $t = 1/004$ ). خودپنداره کلی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی متفاوت است ( $P < 0/05$  و  $f = 15/96$ ) همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خودپنداره کلی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف علوم انسانی، تجربی، ریاضی فیزیک، فنی و حرفه‌ای و کار دانش متفاوت است ( $P < 0/05$  و  $f = 7/58$ ). نتایج نشان می‌دهد که جنسیت بر خودپنداره کلی دانش‌آموزان اثر مستقیم دارد. همچنین پایه تحصیلی بر خودپنداره کلی دانش‌آموزان اثر مستقیم دارد. ( $P < 0/05$  و  $f = 48/79$  و  $f = 9/96$ ) در پایان جنسیت و پایه تحصیلی بر میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان اثر تعاملی دارد ( $P < 0/05$  و  $f = 5/37$ ).  
کلید واژه‌ها: خودپنداره کلی، عملکرد تحصیلی.

#### مقدمه

خودپنداره شامل نگرش‌ها، احساسات و دانش ما درباره توانایی، مهارت و قابلیت پذیرش اجتماعی است. خودپنداره تمام ابعاد شناختی، ادراکی، عاطفی و رویه‌های ارزیابی را در برمی‌گیرد. بنابراین مجموعه نگرش‌های شخص نسبت به خود را خودپنداره می‌نامند (هاگ و رنزولی، ۱۹۹۳؛ گروس، ۱۹۹۲). خودپنداره در طول تاریخ بشری از دیدگاه فلاسفه، دانشمندان و نیز افراد عادی مورد توجه قرار گرفته است. متفکران به‌ویژه در قرن حاضر، بر این باورند که صرفاً انسان دارای تجربه خودپنداره است و تجربه روان‌شناختی منحصر به انسان است. شاید راجرز (۱۹۴۷)، نقل از نویدی، (۱۳۷۳) اولین کسی بود که با مطرح کردن خویشتن، خودپنداره را عملاً وارد حوزه‌های پژوهشی روان‌شناسی کرد. مفهوم خویشتن، مهمترین مفهوم ساختاری در نظریه راجرز است. بعد از راجرز پژوهشگران دیگری مانند کولی<sup>۱</sup>، مید<sup>۲</sup>، آلپورت<sup>۳</sup>، مازلو و کووینگتون<sup>۴</sup> نیز نظریه‌هایی را در مورد مفهوم خود و خودپنداره ارائه کردند (چن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ اینترنت، ۲۰۰۵).

1- Cooly

2- Meed

3- Allport

4- Maslow &amp; Covington

5- Chen

6- [http:// WWW. goodschools.gwu.edu](http://WWW.goodschools.gwu.edu)

در سالهای اخیر روان‌شناسان به عواملی که مربوط به تشکیل و تکامل خودپنداره می‌شود، توجه زیادی مبذول داشته‌اند. این موضوع حتی برای متخصصان بهداشت روانی نیز اهمیت خاصی دارد، زیرا پندار فرد از شخصیت خود، تا اندازه‌ی زیادی تصور او را درباره‌ی محیطش تعیین می‌کند. اگر تصور ز خود مثبت و متعادل باشد، شخص دارای سلامت روانی است. برعکس اگر خودپنداره شخص منفی و نامتعادل باشد، از لحاظ روانی فردی ناسالم تلقی می‌شود. خودپنداره اکتسابی است و این نکته برای کسانی که مسئول پرورش فرد یا کودک در اوان زندگی هستند، به‌ویژه خانواده و والدین اهمیت دارد. واکنش دیگران، مقایسه با دیگران، نقش‌های اجتماعی و همانندسازی از عوامل مؤثر دیگر در رشد خودپنداره به حساب می‌آید (ریکاردرز، ۲۰۰۱).

خودپنداره یک واژه کلی است که سه مؤلفه دارد: ۱- تصویر خود، که به شیوه توصیف از خودمان یعنی به آنچه فکر می‌کنیم هستیم اشاره دارد. (خواه براساس واقعیت یا خلاف آن باشد)، ۲- عزت نفس. تصویر خود به‌طور اساسی جنبه‌ی توصیفی دارد، عزت نفس به‌طور اساسی جنبه‌ی ارزش‌بایی دارد و به حدی اشاره می‌کند که ما خویشتن را دوست داریم، می‌پذیریم و ارزشش دارد درباره‌ی آن فکر کنیم، ۳- خود آرمانی، همان چیزی است که دوست داریم باشیم و این ممکن است وسعت و درجات متفاوتی داشته باشد. هر چه فاصله بین تصویر خود و خود آرمانی زیادتر شود عزت نفس کاهش پیدا می‌کند (گروس، ۱۹۹۲).

یکی از مسائل مهم در حوزه یادگیری، آموزشگاهی که تلویحات تحقیقی فراوانی را به خود معطوف داشته، خودپنداره تحصیلی است. خودپنداره تحصیلی به ادراک یا تصویر دانش‌آموز از شایستگی‌های خود در رابطه با یادگیری آموزشگاهی اشاره می‌کند که بر پیشرفت تحصیلی اثر می‌گذارد و هم‌زمان از آن متأثر می‌شود. به نظر می‌رسد، خودپنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه‌ای دو سویه دارند (بلوم، ۱۹۸۲؛ ترجمه سیف، ۱۳۶۳). مارش و همکارانش (۱۹۹۹) خودپنداره را در سه سطح طبقه‌بندی می‌کنند: خودپنداره کلی، خودپنداره تحصیلی و خودپنداره غیرتحصیلی و قلمروهای ویژه خودپنداره که به‌طور مستقیم با موضوع درس یا نوع فعالیت ارتباط دارد. در سطح اول خودپنداره کلی قرار دارد که مجموعه‌ای است از باورهایی که شخص درباره‌ی خود

دارد، باورهایی که تغییر آن نسبتاً دشوار است. در سطح دوم دو قلمرو عمده تحصیلی و غیرتحصیلی وجود دارد. در سطح سوم قلمروهای خاص و ویژه خودپنداره که به‌طور مستقیم با موضوع درس یا نوع فعالیت ارتباط دارد، واقع شده است. این سطح تابعی از تجربه‌های روزانه ما است و احتمالاً بیشترین آمادگی را برای تغییر دارد. مطالعه بعدی مارش (۱۹۹۲) نشان داد که بین سه سطح خودپنداره رابطه وجود دارد. همچنین عملکرد کلامی با خودپنداره کلامی و پیشرفت ریاضی با خودپنداره مربوط به ریاضی ارتباط دارد (بنتهام، ۲۰۰۲).

دانش‌آموزان خودپنداره تحصیلی خودشان را در هر یک از درسها با استفاده از دو داوری شکل می‌دهند. نخست داوری بیرونی که در این شیوه مهارتهای فرد در یک موضوع درسی با مهارت دانش‌آموزان دیگر مقایسه می‌شود، دوم داوری درونی که در این شیوه مهارتهای فرد در یک موضوع درسی با مهارتهایش در موضوعهای درسی دیگر مقایسه می‌شود (نویدی، ۱۳۷۳). براساس نظریه یادگیری آموزشگاهی بلوم (۱۹۸۲، ترجمه سیف، ۱۳۶۳) رفتارهای ورودی شناختی یعنی تاریخچه یادگیری قبلی فرد، هوش کلی، استعداد کلی، توانایی کلامی و سبک یادگیری و ویژگی ورودی عاطفی یعنی علائق، نگرش‌ها و عواطف دانش‌آموزان در ایجاد و شکل‌گیری خودپنداره تحصیلی آنها مؤثر است.

چناری (۱۳۷۴) در پژوهش خود نشان داد که بین خودپنداره فرزندان و نگرش تربیتی والدین رابطه وجود دارد، یعنی هر چه نگرش تربیتی والدین مثبت‌تر باشد خودپنداره فرزندان نیز بالاتر خواهد بود و دختران خودپنداره بالاتری نسبت به پسران دارند. نویدی (۱۳۷۳) ضمن پژوهش دریافت که بین خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و از روی اندازه‌های خودپنداره تحصیلی می‌توان عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کرد. تحقیق او نشان داد که با افزایش حجم تجارب تحصیلی رابطه خودپنداره تحصیلی با پیشرفت تحصیلی مستحکم‌تر می‌شود. از نظر خودپنداره تحصیلی بین پسران موفق و ناموفق دوره ابتدایی تمایز آشکاری وجود دارد. پژوهش خلیلی (۱۳۷۵) نشان داد که عوامل اجتماعی در خودپنداره و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. او دریافت که هفت متغیر بر

خودپنداره تحصیلی اثر مستقیم دارند: بازنگری رفتار و موقعیت، انتظارات والدین، بازنگری معلمان، تعادل دانش‌آموز - معلم، بازخوردهای مثبت معلمان و بازخوردهای منفی در مسیر خودپنداره تحصیلی.

رابینسون و همکارانش (۱۹۸۶) دریافتند که سطوح بالای خودپنداره و عزت‌نفس به‌طور معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی رابطه دارد. کمپل و بلدسو<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) در تحقیق خود به وجود ارتباط قوی بین خودپنداره و میزان موفقیت در پسران نسبت به دختران پی بردند. مطالعه بام و همکارانش<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) نشان داد که دختران نسبت به پسران از خودپنداره بالاتری برخوردارند (نقل از خلیلی، ۱۳۷۵). هاگ و رنزولی (۱۹۹۳) دریافتند که دانش‌آموزان سرآمد نسبت به دانش‌آموزان عادی خودپنداره بالاتری دارند. هانت (۱۹۹۷) در پژوهش خود نشان داد که بین خودپنداره، امیدواری و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. تحقیق نشان داد که افسردگی و ناامیدی بر موفقیت تحصیلی اثر منفی می‌گذارد. تحقیق کراون و همکارانش (۲۰۰۰) بر روی دانش‌آموزان نشان داد که پیشرفت تحصیلی آنها با مؤلفه‌های شناختی خودپنداره ارتباط قوی دارد. مارش و همکارانش (۱۹۹۹) در پژوهش بر روی خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان دریافتند که نه تنها خودپنداره پیش‌بینی خوبی برای پیشرفت تحصیلی است، بلکه بازخوردها و برجسب‌هایی که برای افراد فراهم می‌شود نیز ممکن است تا حدودی میزان خودپنداره آنان را پیش‌بینی کند. تحقیق کات سولیس (۲۰۰۱) نشان داد که انتظارات معلمان ممکن است در خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز مؤثر باشد. تحقیقات ریکاردز (۲۰۰۱)، نویدی (۱۳۷۳) و مارش (۱۹۹۲) نشان داد که نه تنها خودپنداره تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی مؤثر است، بلکه بین خودپنداره و سایر ابعاد رفتاری و شخصیتی دانش‌آموزان نیز رابطه وجود دارد.

مارش و همکارانش (۱۹۹۹) دریافتند که نه تنها سطوح خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان بر عملکرد بعدی آنها در مدرسه تأثیر می‌گذارد، بلکه پیشرفت تحصیلی نیز بر خودپنداره آنها مؤثر است. از این‌رو به نظر می‌رسد که رابطه بین خودپنداره

تحصیلی و پیشرفت تحصیلی یک رابطه دو سویه و متقابل<sup>۱</sup> است. مطالعات انجام شده بر روی دانش‌آموزان استرالیا و آمریکا و سایر نقاط دنیا چنین رابطه‌ای را تأیید می‌کنند (چن، ۲۰۰۴؛ مانگال، ۲۰۰۲). بررسی‌های انجام شده (برای مثال کراون و همکارانش، ۲۰۰۰) نشان می‌دهند که سطح تحصیلی و رشته تحصیلی ممکن است در خودپنداره تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی داشته باشد (اینترنت، ۲۰۰۳). تحقیق بر روی دانش‌آموزان بلژیکی نشان داد که جنسیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و انتظارات معلم بر خودپنداره تحصیلی و عملکرد آنها اثر مستقیم دارد. تحقیق زیسک<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) نشان داد که پایه تحصیلی در خودپنداره دانش‌آموزان مؤثر است و بین خودپنداره، عزت‌نفس، روش یادگیری معلم و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد (اینترنت، ۲۰۰۳). هاماک (۱۹۹۸، ۱۹۹۵) در تحقیقات گسترده خود در زمینه خودپنداره یادآوری می‌کند که جنسیت، پایه تحصیلی و تجارب تحصیلی قبلی ممکن است در رابطه بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی نقش داشته باشد. همچنین نتایج تحقیق او نشان داد که سبک اسنادی دانش‌آموزان، اظهارات و انتظارات معلم و انگیزش نیز در رشد خودپنداره و عملکرد تحصیلی یادگیرندگان مؤثر است. به‌طور کلی تحقیقات حاکی از آن است که خودپنداره تحصیلی یک ساختار چند بُعدی و سلسله‌مراتبی دارد و عوامل متعددی مانند جنسیت، سطح تحصیلی، محل سکونت، حمایت والدین، انتظارات معلمان در آن نقش دارد (اینترنت، ۲۰۰۳). مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نگرش‌ها، خودپنداره، انتظارات و افکار می‌توانند در رفتار تأثیر بگذارند. عملکرد تحصیلی به‌عنوان یک رفتار آموزشی تحت تأثیر خودپنداره کلی فرد است. عوامل فردی مانند جنس، سن، پایه تحصیلی، تجارب قبلی ممکن است در میزان خودپنداره و عملکرد تحصیلی مؤثر باشد. با بررسی متون پژوهش و نتایج پژوهش‌های انجام شده، در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر تدوین و مورد آزمایش قرار گرفتند:

- ۱- بین خودپنداره کلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.
- ۲- بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

- ۳- بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود دارد.
- ۴- خودپنداره کلی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی (اول، دوم، سوم) متفاوت است.
- ۵- خودپنداره کلی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف علوم انسانی، تجربی، ریاضی - فیزیک، فنی و حرفه‌ای و کار دانش متفاوت است.
- ۶- کنش متقابل جنسیت و پایه تحصیلی در میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

### روش

در پژوهش حاضر از روش تحقیق همبستگی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان متوسطه شهرستان بندر ترکمن هستند که براساس گزارش اداره آموزش و پرورش ۳۵۰۶ نفر می‌باشند. آزمودنیهای این پژوهش را تعداد ۳۵۲ نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان بندر ترکمن تشکیل می‌دهند. آزمودنیها یا نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند. در نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، زیر گروهها با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند به عنوان نماینده جامعه انتخاب شده‌اند و این نکته تعمیم‌پذیری و کفایت نمونه‌ها را امکان‌پذیر می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۳).

جدول ۱- جامعه آماری و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای آزمودنیها

چهارم		سوم		دوم		اول		پایه تحصیلی
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	شاخص آماری
۱۸۱۶	۱۶۹۰	۵۲۱	۵۵۴	۴۹۰	۱۹۷	۸۰۵	۶۴۳	ni
۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۱۸۵۲	۰/۱۵۸۷	۰/۱۴۰۱	۰/۱۳۹۱	۰/۲۳	۰/۱۸	$P = \frac{ni}{N}$
۱۸۳	۱۶۹	۵۲	۵۷	۵۰	۴۹	۸۱	۶۳	$n_k = p \times n$
۳۵۲						جمع کل		

## ابزار پژوهش

در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان از پرسشنامه خودپنداره تنسی<sup>۱</sup> استفاده شد. ملاک عملکرد تحصیلی معدل ترم گذشته دانش‌آموزان است.

پرسشنامه خودپنداره تنسی شامل ۹۹ جمله خبری است که براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تدوین شده است. آزمودنیها از بین گزینه‌های کاملاً درست، اغلب درست، تا حدی درست و تا حدی نادرست، اغلب نادرست و کاملاً نادرست گزینه مورد نظر خود را انتخاب می‌کنند. هر گزینه از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. جملاتی که بر جنبه مثبت خودپنداره تأکید دارند، به انتخاب گزینه کاملاً درست (۵ نمره)، اغلب درست (۴ نمره)، تا حدی درست و تا حدی نادرست (۳ نمره)، اغلب نادرست (۲ نمره) و کاملاً نادرست (۱ نمره) تعلق می‌گیرد؛ در جملاتی که بر جنبه منفی خودپنداره تأکید دارند به صورت عکس موارد گفته شده نمره تعلق می‌گیرد. دامنه نمرات در پرسشنامه بین حداقل ۹۹ و حداکثر ۴۹۵ نمره است. بعد از اجرای پرسشنامه و تعیین نمره هر یک از گزینه‌ها و جمع آنها، نمره خودپنداره هر دانش‌آموز به دست می‌آید.

پرسشنامه تنسی از روایی و پایایی مناسب برخوردار است. در مطالعه هاینس (۱۹۸۹) پایایی پرسشنامه ۰/۹۵ گزارش شد. در ایران این پرسشنامه را پژوهشگران ترجمه و استفاده کرده‌اند. در مطالعه رضازاده بهادران، با استفاده از روش بازآزمایی پایایی ۰/۸۲ گزارش شده است (چناری، ۱۳۷۴). در این پژوهش با اجرای مقدماتی بر روی نمونه‌ای با حجم  $n = 30$  از دانش‌آموزان با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله زمانی ۱۰ روز، پایایی ۰/۸۳ به دست آمد. برای بررسی همسانی درونی مواد پرسشنامه پایایی ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه شد. برای آزمون فرضیه اول از ضریب همبستگی پیرسون، برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم از آزمون  $t$ ، برای آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم از تحلیل واریانس یکطرفه و برای آزمون فرضیه ششم از تحلیل واریانس عاملی استفاده شد.



### نتایج

فرضیه اول: بین خودپنداره کلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد، چون ضریب همبستگی محاسبه شده ( $r = 0/19$ ) با درجه آزادی  $df = n - 2 = 350$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $P < 0/05$ ) از ضریب همبستگی جدول بحرانی ( $r = 0/11$ ) بزرگتر است، بنابراین فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که میان خودپنداره کلی و عملکرد دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد، چون  $t$  محاسبه شده ( $t = 2/965$ ) با درجه آزادی،  $df = n_1 + n_2 - 2 = 350$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $P < 0/05$ ) از  $t$  جدول بحرانی ( $t = 1/96$ ) بزرگتر است، بنابراین فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که میان خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم: بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود دارد، چون  $t$  محاسبه شده ( $t = 1/004$ ) با درجه آزادی  $df = 350$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $P > 0/05$ ) از  $t$  جدول بحرانی ( $t = 1/96$ ) کوچکتر است، بنابراین فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تأیید می‌شود و نتیجه می‌گیریم که میان خودپنداره کلی دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود ندارد. در جدول ۲ خلاصه تجزیه و تحلیل آماری مربوط به فرضیه دوم و سوم آمده است.

جدول ۲- تجزیه و تحلیل آماری مربوط به فرضیه ۲ و ۳

t	sig	n <sub>2</sub>	n <sub>1</sub>	$\bar{X}_2$	$\bar{X}_1$	شاخص آماری
2/965	0/05	169	183	361/25	374	فرضیه دوم
1/004	0/05	74	278	363/78	369/12	فرضیه سوم

فرضیه چهارم: خودپنداره کلی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی (اول، دوم، سوم) متفاوت است، چون  $F$  محاسبه شده ( $F = 15/96$ ) با درجه آزادی  $df = 2/234$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $P \leq 0/05$ ) از  $F$  بحرانی جدول ( $F = 3/02$ ) بزرگتر است،

بنابراین فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که خودپنداره کلی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی (اول، دوم، سوم) متفاوت است. در جدول ۳ خلاصه تجزیه و تحلیل آماری مربوط به فرضیه چهارم آمده است.

جدول ۳- خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس فرضیه ۴

منابع تغییر	SS	df	MS	F
بین گروهی	۴۸۶۹۷/۹۲	۲	۲۴۳۴۸/۹۶	۱۵/۹۶
درون گروهی	۵۳۲۵۳۲/۰۶۹	۳۴۹	۱۵۲۵/۸۸	

برای تحلیل و مقایسه یک‌به‌یک میانگین‌ها در فرضیه چهارم از آزمون تعقیبی توکی (HSD) استفاده شد. آزمون تعقیبی توکی (HSD) نشان داد که تفاوت میانگین خودپنداره کلی دانش‌آموزان پایه اول با دوم ( $P < ۰/۰۵$ )، پایه اول با سوم ( $P < ۰/۰۵$ ) و پایه دوم با سوم ( $P < ۰/۰۵$ ) از نظر آماری معنادار است. در جدول ۴ خلاصه تجزیه و تحلیل آماری آزمون تعقیبی توکی (HSD) مربوط به فرضیه چهارم آمده است.

جدول ۴- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری تعقیبی توکی (HSD) مربوط به فرضیه چهارم

میانگین پایه‌های تحصیلی	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم
	$\bar{X}_1$	$\bar{X}_2$	$\bar{X}_3$
	۳۵۵/۳۰	۳۸۳/۷۸	۳۶۹/۸۸
$\bar{X}_1 = ۳۵۵/۳۰$	-	۲۸/۴۸ <sup>#</sup>	۱۴/۴۸ <sup>#</sup>
$\bar{X}_2 = ۳۸۳/۷۸$	-	-	۱۴ <sup>#</sup>
$\bar{X}_3 = ۳۶۹/۸۸$	-	-	-

$$HDS = ۹/۵۵$$

فرضیه پنجم: خود‌پنداره کلی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف علوم انسانی، تجربی، ریاضی - فیزیک، فنی حرفه‌ای و کار دانش متفاوت است. چون  $F$  محاسبه شده ( $F=7/58$ ) با درجات آزادی ۲۰۳ و  $df = 4$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $P < 0/05$ ) از  $F$  بحرانی جدول ( $F = 2/41$ ) بزرگتر است، بنابراین فرضیه پژوهش تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که خود‌پنداره کلی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف علوم انسانی، تجربی، ریاضی - فیزیک، فنی - حرفه‌ای و کار دانش متفاوت است.

در جدول ۵ خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس مربوط به فرضیه پنجم آمده است.

جدول ۵- خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس فرضیه ۵

منابع تغییر	SS	df	MS	F
بین گروهی	۱۳۰۳۴/۴۳۴	۴	۳۲۵۸/۶۰۸۵	۷/۵۸
درون گروهی	۸۷۲۲۴/۰۶۶	۲۰۳	۴۲۹/۶۷۵	

آزمون تعقیبی توکی (HSD) نشان داد که تفاوت میانگین خود‌پنداره کلی دانش‌آموزان رشته علوم انسانی با تجربی ( $P < 0/05$ ، ۱۲)، علوم انسانی با ریاضی - فیزیک ( $P < 0/05$ ، ۸/۴)، علوم انسانی با فنی - حرفه‌ای ( $P < 0/05$ ، ۱۷/۱۴)، تجربی با کار دانش ( $P < 0/05$ ، ۱۶/۶۱)، ریاضی فیزیک با فنی حرفه‌ای ( $P < 0/05$ ، ۸/۷۴)، ریاضی - فیزیک با کار دانش ( $P < 0/05$ ، ۱۶/۹۲)، فنی حرفه‌ای با کار دانش ( $P < 0/05$ ، ۲۱/۶۶) از نظر آماری معنادار است. در جدول ۶ خلاصه تجزیه و تحلیل آماری آزمون تعقیبی توکی (HSD) مربوط به فرضیه پنجم آمده است.

جدول ۶- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری آزمون تعقیبی توکی (HSD) مربوط به فرضیه پنجم

میانگین رشته‌های تحصیلی	علوم انسانی $\bar{X}_1$	تجربی $\bar{X}_2$	ریاضی فیزیک $\bar{X}_3$	فنی - حرفه‌ای $\bar{X}_4$	کاردانش $\bar{X}_5$
	۳۷۷/۸۷	۳۶۵/۷۸	۳۶۹/۴۷	۳۶۰/۷۳	۳۸۲/۳۹
$\bar{X}_1 = 377/87$	-	۱۲*	۸/۴*	۱۷/۱۴*	۴/۵۲
$\bar{X}_2 = 365/78$	-	-	۳/۶۹	۵/۰۵	۱۶/۶۱*
$\bar{X}_3 = 369/47$	-	-	-	۸/۷۴*	۱۶/۹۲*
$\bar{X}_4 = 360/73$	-	-	-	-	۲۱/۶۶*
$\bar{X}_5 = 382/39$	-	-	-	-	-

$$HSD = \sqrt{38}$$

فرضیه ششم: کنش متقابل جنسیت و پایه تحصیلی در میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان تأثیر دارد. فرضیه ششم سه هدف را دنبال می‌کند: بررسی اثر مستقیم جنسیت (A) با دو سطح دختر ( $a_1$ ) و پسر ( $a_2$ ) بر میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان، بررسی اثر مستقیم پایه تحصیلی (B) با سه سطح اول ( $b_1$ )، دوم ( $b_2$ ) و سوم ( $b_3$ ) بر میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان و بررسی کنش متقابل جنسیت و پایه تحصیلی (AB) به میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان. در جدول ۶ تجزیه و تحلیل واریانس عاملی مربوط به فرضیه ششم آمده است.

جدول ۷- خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس عاملی فرضیه ۶

منابع تغییر	SS	df	MS	F
متغیر جنسیت A	۱۸۲۱۶/۶۱	۱	۱۸۲۱۶/۶۱	۹/۹۶
متغیر پایه تحصیلی B	۱۷۸۵۰۳/۹۵	۲	۸۹۲۵۱/۹۷۵	۴۸/۷۹
کنش متقابل AB	۱۹۶۳۳/۷۳	۲	۹۸۱۶/۸۶۵	۵/۳۷
واریانس خطا W	۶۳۲۸۶۸/۰۵	۳۴۶	۱۸۲۹/۰۹۸۴۱	-

در مورد اثر مستقیم جنسیت (A) بر خود‌پنداره کلی، چون  $F$  محاسبه شده ( $F = 9/96$ ) با درجه آزادی  $df = 1/346$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $P < 0/05$ ) از  $F$  بحرانی جدول ( $F = 3/86$ ) بزرگتر است، بنابراین نتیجه می‌گیریم که جنسیت بر خود‌پنداره کلی دانش‌آموزان اثر مستقیم دارد. در مورد اثر مستقیم پایه تحصیلی (B) بر خود‌پنداره کلی، چون  $F$  محاسبه شده ( $F = 48/79$ ) با درجه آزادی  $df = 2/346$  و همان سطح اطمینان از  $F$  جدول بحرانی بزرگتر است، بنابراین نتیجه می‌گیریم که پایه تحصیلی بر خود‌پنداره کلی دانش‌آموزان اثر مستقیم دارد. در مورد بررسی کنش متقابل جنسیت و پایه تحصیلی (AB) بر میزان خود‌پنداره کلی، چون  $F$  محاسبه شده ( $F = 5/37$ ) با درجه آزادی  $df = 2/346$  و همان سطح اطمینان از  $F$  بحرانی جدول بزرگتر است، نتیجه می‌گیریم که جنسیت و پایه تحصیلی بر میزان خود‌پنداره کلی دانش‌آموزان اثر تعاملی دارد.

آزمون تعقیبی توکی (HSD) نشان داد که تفاوت خود‌پنداره دانش‌آموزان دختر سال اول و دوم متوسطه معنادار است ( $P < 0/05$ )، ولی سال اول و سوم متوسطه معنادار نیست ( $P > 0/05$ ). تفاوت خود‌پنداره دانش‌آموزان دختر سال اول و پسر سال اول متوسطه معنادار نیست ( $P > 0/05$ ) ولی دختر سال اول و پسر سال دوم معنادار است ( $P < 0/05$ ). تفاوت خود‌پنداره دانش‌آموزان دختر سال اول و پسر سال سوم ( $P < 0/05$ ) و دختر سال دوم و پسر سال سوم معنادار است ( $P < 0/05$ ). تفاوت خود‌پنداره دانش‌آموزان دختر سال دوم و پسر سال اول ( $P > 0/05$ ) و دختر سال دوم و پسر سال سوم و پسر سال اول معنادار نیست ( $P > 0/05$ )، ولی دختر سال سوم و پسر سال دوم معنادار است ( $P < 0/05$ ). تفاوت خود‌پنداره دانش‌آموزان دختر سال سوم و پسر سال سوم معنادار است ( $P < 0/05$ )، بین خود‌پنداره دانش‌آموزان پسر سال اول و سوم ( $P < 0/05$ ) و سال دوم و سوم تفاوت معنادار وجود دارد ( $P < 0/05$ ). در جدول ۸ خلاصه تجزیه و تحلیل آماری آزمون تعقیبی توکی (HSD) مربوط به فرضیه ششم آمده است.

جدول ۸- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری آزمون تعقیبی توکی (HSD) مربوط به فرضیه ششم

پسر			دختر			جنسیت
اول	دوم	سوم	اول	دوم	سوم	میانگین سطوح
$\bar{X}_4$	$\bar{X}_5$	$\bar{X}_6$	$\bar{X}_3$	$\bar{X}_2$	$\bar{X}_1$	تحصیلی
۳۶۵	۳۷۴	۳۹۰	۳۵۴	۳۷۳	۳۵۸	
۷	۱۶*	۳۲*	۴	۱۵*	—	$\bar{X}_1 = ۳۵۸$
۸	۱	۱۷*	۱۹*	—	—	$\bar{X}_2 = ۳۷۳$
۱۱	۲۰*	۳۶*	—	—	—	$\bar{X}_3 = ۳۵۴$
—	۹	۲۵*	—	—	—	$\bar{X}_4 = ۳۶۵$
—	—	۱۶*	—	—	—	$\bar{X}_5 = ۳۷۴$
—	—	—	—	—	—	$\bar{X}_6 = ۳۹۰$

### بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه فرضیه اول نشان داد که بین خودپنداره کلی و عملکرد دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیقات شولسون و همکارانش (۱۹۷۸)، مارش (۱۹۹۲)، هایت و هانس فورد (۱۹۸۲) همخوان است. تحقیق مارش نشان داد که بین حوزه‌های خاص خودپنداره و عملکرد مربوط به آن رابطه مثبت وجود دارد. هانس فورد و هایت (۱۹۸۲) نیز نشان دادند که بین خودپنداره کلی و عملکرد تحصیلی همبستگی مثبت وجود دارد. لائو و کووکلانگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابه دست

یافتند. بنابراین خودپنداره کلی به‌عنوان مجموعه نگرش‌های شخص بر عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارد (مانگال، ۲۰۰۲).

نتیجه فرضیه دوم نشان داد که بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. بررسی‌های هاگ و رنزولی (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که جنسیت در میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان دختر و پسر اثر معنادار ایجاد نمی‌کند هر چند که در خودپنداره پسران و دختران تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. در تحقیق فلدهاسن و نیمولوس (۱۹۹۲) نیز بین خودپنداره دختران و پسران، تفاوت معنادار مشاهده نشد. در شکل‌گیری نگرش‌ها و خودپنداره عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی ممکن است در دختران و پسران تفاوت‌هایی را به‌وجود آورد. به عقیده هورنر دختران، در مقایسه با پسران از ادراک خود و خودپنداره پایین‌تری برخوردارند که ناشی از تصورات قالبی و غلط فرهنگ و اجتماع است (گنجی و حسن‌زاده، ۱۳۸۳).

نتیجه فرضیه سوم نشان داد که بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود ندارد. در زمینه تأثیر محل سکونت بر خودپنداره کلی دانش‌آموزان تحقیقات قبلی چیزی را نشان نمی‌دهند. لیکن با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان گفت که محل سکونت عامل تعیین‌کننده در خودپنداره کلی دانش‌آموزان نیست. از آنجا که خودپنداره کلی یک دیدگاه جامع نسبت به شخص است لذا محل سکونت افراد کمتر می‌تواند در آن دخالت کند زیرا فرهنگ و جامعه به‌عنوان یک سیستم بزرگتر در رشد آن مؤثر و مهم است (چن، ۲۰۰۴).

نتیجه فرضیه چهارم نشان داد که خودپنداره کلی دانش‌آموزان در پایه‌های تحصیلی مختلف (اول، دوم و سوم) متفاوت است. در این زمینه نیز تحقیقات گذشته چیزی را نشان نمی‌دهند. با وجود این با عنایت به نتیجه فرضیه چهارم می‌توان گفت که با توجه به گوناگونی سطوح رشد و تحصیل دانش‌آموزان، میزان خودپنداره کلی آنها نیز متفاوت است. سطح رشد دانش‌آموزان در خودپنداره و شکل‌گیری نگرش‌های آنها مهم است. بدیهی است که عامل رشد و پایه تحصیلی باعث تفاوت در میزان خودپنداره دانش‌آموزان می‌شود. نتایج این فرضیه با تحقیقات پیشین (کراون و همکارانش، ۲۰۰۰؛ بنتهام، ۲۰۰۲؛ مارش، ۱۹۹۲) همخوانی دارد.

نتیجه فرضیه پنجم نشان داد که خودپنداره کلی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی (علوم انسانی، تجربی، ریاضی - فیزیک، فنی - حرفه‌ای و کاردانش) متفاوت است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که رشته تحصیلی در تعیین میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان مؤثر است. نتیجه این فرضیه با یافته‌های سایر پژوهشگران همسو است (هانت، ۱۹۹۷؛ هاماک، ۱۹۹۵، مانگال، ۲۰۰۲).

نتیجه فرضیه ششم نشان داد که جنسیت و پایه تحصیلی به‌طور مستقیم و تعاملی بر خودپنداره کلی دانش‌آموزان تأثیر دارد. نتایج مطالعات روان‌شناسی تربیتی و مدرسه‌حاکمی از آن است که کنش متقابل جنسیت و پایه تحصیلی بر میزان خودپنداره کلی دانش‌آموزان و نیز یادگیری و عملکرد تحصیلی آنها مؤثر است. برای مثال چن (۲۰۰۴) و ریکاردز (۲۰۰۱) نشان دادند که عامل جنسیت و پایه تحصیلی در مفهوم خودپنداره دانش‌آموزان مؤثر است.

## منابع

- بلوم، بنجامین. (۱۹۸۲). ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشی، ترجمه علی‌اکبر سیف، (۱۳۶۳)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- چناری، مهین. (۱۳۷۴)، «بررسی رابطه نگرش تربیتی والدین و خودپنداری فرزندان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۳)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق)، تهران، نشر ساوالان.
- خلیلی، اکرم. (۱۳۷۵)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خودپنداری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- گنجی، حمزه و رمضان حسن‌زاده. (۱۳۸۳)، روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سخن.
- نویدی تازه‌کند، احد. (۱۳۷۳)، «بررسی رابطه بین خودپنداره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی پسران دبستانی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه تربیت مدرس تهران.



- BENTHAM, SUSAN. (2002). *Psychology and Education*. By Routledge.
- CHEN, A. (2004). Goals, Interests, and Learning in Physical education. *The Journal of Educational Research*. Vol 97 (No, 6).
- CRAVEN, R., MCLNERNEY, V & MARSH, H. (2000). The structure and development of young children's self-concepts and relation to academic achievement. Educational Information with the personal Touch. *Eric*, no, ED 443522. publication type. pp 143-150.
- FELDHUSEN, J.F., NIMOLOS, A.L. (1992). Exploratory study of self-concept and depression among the gifted, *Educational international*, Vol 8, p 138.
- GROSS, R.D. (1992). The science of mind and behavior, fifften impersion-Hoder & Stoughton *British Library Cataloguing in publication Data*.
- HAMACHEK, D. (1995). Self-concept and school Achievement: Interaction Dynamics and a Tool for Assessing The Self-concept, Component, *Journal of Counseling and Development*, Vol 73, pp 419-425.
- HOGUE, R.D., RENZULLI, J.S. (1993). Exploring the link between Giftedness and self-concept, *Review of Education Research*, Vol 63, pp 449-65.
- HUNT, T. (1997). Self-concept, hope, and achievement. *Missouri Western stste Colloge*, may.
- KOUTSOULIS, M. (2001). Teaching and prodction in the classroom: The case in cyprus Lyceums. *American Educational Research Association*, Seattle, W.A, April, pp 10-14.
- LAU, S. KWOKLEUNG, P. (1992). Self-concept, delinquency, relations with parents and school and chinese adolescents: perception of personal control, personality and individual differences. *Journal of Educational psychology*. Vol 3, No 5, pp 615-622.
- MANGAL, S.K. (2002). *Advanced Educational Pyschology*. Delhi, Prentice Hall of India.
- MARSH, H., KONG, C. & HAU, K. (1999). Longitudinal multilevel methods of the big fish little pond effect on academic self conecept. Educational Information with the personal Touch, *Eric Issue: RIEDEC* 2000.

MARSH, H. (1992). Content Specificity of relation between academic achievement and academic self-concept, *Journal of Educational psychology*, Vol 84, No 1, pp 35-92.

RICKARDS, A. (2001). Cognition, academic progress, behavior and self-concept at 14 years of very low Birth weight children. *Journal of Developmental & Behavioral pediatrics*, Feb, pp 1-15.

Web site

<http://WWW.fed.cuhk.edu>

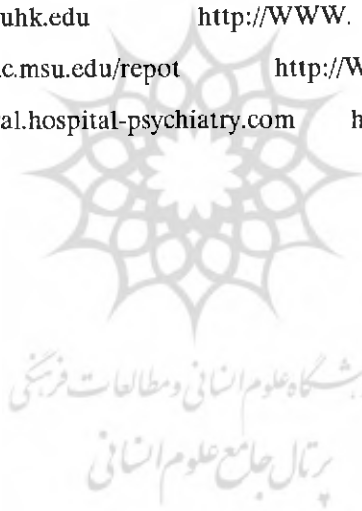
<http://WWW.goodschools.gwu.edu>

<http://ed.wcb3.educ.msu.edu/repot>

<http://WWW.childrens.org>

<http://WWW.general.hospital-psychiatry.com>

<http://WWW.scitechcd.org>



وصول: ۸۳/۷/۵

پذیرش: ۸۴/۵/۳